

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و پنج، زمستان ۹۹، صفحات ۵۳-۸۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۹/۱۱

چالش‌های حاکمیتی ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م ایران و شوروی (۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴)

سیدحسین شجاعی دیوکلابی^۱

محمد حسن پورقنبر^۲

چکیده

پس از استقرار رژیم تزاری در روسیه حاکمیت ایران در دریای کاسپین دچار چالش تدریجی شد. چالش‌های حاکمیتی ایران در دریای کاسپین در دوران قاجار پس از دو دوره جنگ با روسیه و انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای به سلب حاکمیت ایران در این دریا انجامید. در چنین شرایطی انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م. ایران و شوروی، امید به احیای حاکمیت ایران در دریای کاسپین را ایجاد کرد. بر این اساس، پژوهش پیش رو درصدد است با اتکا بر نظریه سیستمی سیاست بین‌الملل کنت والتز و استفاده از روش تحقیق تاریخی و به‌کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی به این پرسش پاسخ دهد که حاکمیت ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م. ایران و شوروی با چه چالش‌هایی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش. مواجه بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف مفاد عهدنامه مودت، حاکمیت ایران در دریای کاسپین توسط حکومت شوروی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش. همانند دوران حاکمیت تزاری با چالش‌های جدی اقتصادی و سیاسی مواجه شد. رواج قاچاق کالا با حمایت حکومت شوروی، اخلال در امر تجارت و گرانی ادواری قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی، چالش‌های اقتصادی و شیوع ناامنی و ایجاد حس ترس، نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، دخالت در امور داخلی و سیاسی ایران و درنهایت حمایت و تحریک نیروهای واگرا در مقابل حکومت مرکزی چالش‌های سیاسی حاکمیت ایران در دریای کاسپین طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش. بود.

واژگان کلیدی: ایران، شوروی، حاکمیت، دریای کاسپین، عهدنامه مودت ۱۹۲۱م.

h.shojaee@umz.ac.ir
mpourghanbar8@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)
۲- دکتری تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Challenges of Iranian Sovereignty in the Caspian Sea after the Conclusion of the Russo-Persian Treaty of Friendship (1921 AD) (1300-1304)

S. H. Shojaee Div Kalae^۱

M. H. Pour Ghanbar^۲

Abstract

After the establishment of the Tsarist regime in Russia, Iranian rule in the Caspian Sea was gradually challenged. Challenges of Iranian sovereignty in the Caspian Sea during the Qajar period, after two periods of war with Russia and the conclusion of the Golestan and Turkmenchay treaties led to the deprivation of Iranian sovereignty in this sea. In such circumstances, the conclusion of the Russo-Persian Treaty of Friendship (1921 AD) raised hopes of restoring Iranian sovereignty in the Caspian Sea. The present study, relying on the systemic theory of International Politics by Kenneth Waltz and using the method of historical research and examining the archival documents, seeks to answer this question, “What challenges were faced by the sovereignty of Iran in the Caspian Sea in the years 1300 to 1304, after the conclusion of the Russo-Persian Treaty of Friendship (1921 AD)? The research findings show that contrary to the provisions of the Friendship Treaty, the sovereignty of Iran in the Caspian Sea in the years 1300 to 1304 faced serious economic and political challenges by the Soviet government, the same as what happened in the Tsarist rule. The spread of smuggling with the support of the Soviet government, disruption of trade and the periodic rise in the prices of exported and imported goods, economic challenges and the spread of insecurity and a sense of fear, violation of the national sovereignty and territorial integrity, interference in Iran's internal and political affairs and finally supporting and inciting divergent forces against the central government were among the political challenges faced by the Iran rule in the Caspian Sea from the years 1300 to 1304.

Keywords: Iran, Soviet Union, Sovereignty, Caspian Sea, Russo-Persian Treaty of Friendship (1921 AD).

^۱ Assistant Professor Mazandaran University, Mazandaran, Iran (Corresponding Author)
h.shojaee@umz.ac.ir

^۲ PhD in History of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran mpourghanbar8@gmail.com

مقدمه

بررسی تاریخی مناسبات ایران و روسیه از سقوط حکومت صفویه تا پایان دوران پهلوی اول نشان می‌دهد که حاکمیت ایران در مناطق شمالی کشور همواره از جانب روسیه و رژیم‌های سیاسی حاکم بر آن با تهدید و چالش‌های جدی مواجه بود. در تمامی این دوران سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ای که رژیم‌های مستقر در روسیه در مناسبات با ایران در پیش گرفته بودند موجبات تهدید و به چالش کشیده شدن حاکمیت ایران در تمامی مناطق شمالی ایران بود. بر این اساس با بررسی مناسبات ایران و روسیه چنین می‌توان نتیجه گرفت که نوع ساختار سیاسی حاکم بر روسیه هیچ تأثیر در رویکردها و سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم‌های سیاسی حاکم بر این کشور نسبت به ایران ایجاد نمی‌کرد. یکی از نتایج این عدم تغییر در سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم‌های سیاسی حاکم بر روسیه به چالش کشیده شدن حاکمیت اقتصادی و سیاسی ایران در دریای کاسپین بود. در چنین وضعیتی از زمان سقوط حکومت صفویه تا پایان دوران پهلوی اول علی‌رغم استقرار و حاکمیت یافتن دو رژیم سیاسی تزاری و کمونیستی شوروی با ماهیت سیاسی و ایدئولوژیکی متفاوت، هیچ تغییری در سیاست‌های توسعه‌طلبانه سرزمینی این دو رژیم مستقر در روسیه نسبت به ایران ایجاد نگردید. در نتیجه همین سیاست‌های توسعه‌طلبانه بود که حاکمیت اقتصادی و سیاسی ایران در دریای کاسپین توسط این دو رژیم مورد تهدید و چالش قرار گرفت.

تداوم چالش‌های اقتصادی و سیاسی حاکمیت ایران در نتیجه سیاست‌های یکسان توسعه‌طلبانه رژیم‌های حاکم بر روسیه در دریای کاسپین در چارچوب نظریه سیستمی سیاست بین‌الملل کنت والتز قابل‌بازشناسی، تبیین و تحلیل است. والتز معتقد است که در سیاست بین‌المللی و در مناسبات میان کشورها، واحدهای سیاسی ملی نقش عمده‌ای در تعیین ساختارهای سیستم بین‌المللی ایفا نمی‌کنند. بر این اساس تغییرهای سیاسی در سطح واحدهای ملی به تغییر در سطح واحدهای سیستم بین‌المللی منجر نمی‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۳). بلکه این سیستم‌های بین‌المللی و ساختارهای حاکم بر آن هستند که بر رفتارهای واحدهای ملی یا همان دولت‌های آن تأثیر می‌گذارند و با قیدوبندهایی که بر رفتار

دولت‌ها اعمال می‌کنند، روابط بین‌الملل را شکل می‌دهند و رفتار دولت‌ها مختلف را در سطح یک واحد ملی در سیستم بین‌المللی یکسان و شبیه به هم می‌سازند. بر این اساس و بنا بر اعتقاد والتر، ساختارهای سیستم بین‌المللی رفتارهای دولت‌ها در واحدهای ملی را تعیین می‌کنند و تداوم می‌دهند. در چنین شرایطی تغییر در سطح واحد ملی مانند سقوط یک رژیم سیاسی و ظهور رژیم سیاسی دیگر در یک واحد ملی تغییری در عملکرد آن رژیم در سطح ساختار بین‌الملل از یک سو و همچنین تغییری در سطح ساختار سیستم بین‌المللی ایجاد نمی‌کند (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۸).

بر پایه چنین نظریه‌ای تشابه سیاست‌های توسعه‌طلبانه حکومت‌های تزاری و حکومت شوروی در دریای کاسپین و چالش‌های آن برای ایران را می‌توان ناشی از ساختارهای سیستم بین‌المللی و نقشی که روسیه و رژیم‌های مستقر در آن به‌عنوان یک واحد ملی در این ساختار سیستمی ایفا می‌کردند دانست. با اتکا به این نظریه پژوهش پیشرو درصدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به‌کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی به این پرسش پاسخ دهد که حاکمیت سیاسی ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م ایران و شوروی با چه چالش‌هایی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش. مواجه بود؟ بر این اساس هدف از انجام این پژوهش بررسی مسئله چالش‌های حاکمیتی اقتصادی و سیاسی ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت در اسفند ۱۲۹۹ش. تا استقرا حکومت پهلوی و تشکیل حکومت مرکز مقتدر در ایران در سال ۱۳۰۴ش. است. فرضیه پژوهش بر این است که سیاست‌های حکومت شوروی نسبت به ایران علی‌رغم شعارهای انقلابی و ماهیت سیاسی و ایدئولوژیکی متفاوت با رژیم تزاری به‌واسطه نقشی که روسیه در ساختار بین‌المللی ایفا می‌کرد تفاوت چندانی با سیاست‌های رژیم تزاری با ایران نداشته است.

در خصوص پیشینه این پژوهش باید عنوان کرد که اگرچه پژوهش‌هایی پیرامون دریای کاسپین و برخی چالش‌های ایران در این دریا از منظر تاریخی به رشته تحریر درآمده است که برجسته‌ترین این پژوهش‌ها کتاب *دریای خزر و قدرت‌های بزرگ* نوشته محمدعلی کاظم‌بیگی (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۴: ۲۹۰-۱) و مقاله «مروری بر نظام حقوقی دریای خزر از دریچه اسناد و معاهدات» از نادعلی صادقیان است؛ اما پژوهش پیشرو مزیت‌ها و تمایزهایی

با این دو پژوهش دارد. کاظم‌بیگی بر پایه اسناد وزارت خارجه در کتاب دریای خزر و قدرت های بزرگ، دخالت بریتانیا در آب‌های شمالی ایران و سواحل جنوبی آن را طی سال‌های دهه ۱۲۹۰ ش. مورد بررسی قرار داده است. صادقیان هم در مقاله «مروری بر نظام حقوقی دریای خزر از دریچه اسناد و معاهدات» تلاش کرد تا ضمن اشاره مختصر به پیشینه روابط تاریخی ایران و روسیه و همچنین موقعیت و اهمیت دریای خزر، نظام حقوقی حاکم بر این دریا را بر اساس نظام حقوقی حاکم بر دریا‌های بسته در حقوق بین‌الملل بر مبنای معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ م. واکاوی نماید و نظام حقوقی دریای خزر، قبل از فروپاشی شوروی و پس از آن مورد توجه قرار دهد. قاسمی و ناظری نیز در مقاله «تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه» به تبیین این تغییر نقش قدرت‌های بزرگ که بعد از فروپاشی شوروی و وقوع تحولات ژئوپلیتیک در منطقه خزر اتفاق افتاد، پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که درحالی که سیستم مداخله و نفوذ در منطقه خزر در سال‌های قبل از فروپاشی شوروی عامل ثبات در منطقه بوده، در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی این سیستم به سیستم نفوذی بی‌ثبات‌کننده تغییر نقش داده است. علاوه بر این سه کار تحقیقاتی، حسنی نیز مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی در جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه با تکیه بر اسناد آرشیوی» نوشته که در آن مقاله، شیلات شمال و وضعیت آن پیش از واگذاری آن به لیانازوف‌ها، چگونگی واگذاری امتیاز به آن‌ها، سرمایه‌گذاری آنان در شیلات شمال و پیامدهای آن، برخورد صیادان شمال، نقش و موضع دولت روسیه در این زمینه، خاتمه امتیاز و واگذاری آن به دولت کمونیستی شوروی، ملی شدن شیلات در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق بررسی کرده است.

مزیت‌ها و تمایزهای پژوهش پیش رو بر پژوهش‌های اشاره شده در بررسی تخصصی و جزئی مسئله چالش‌های حاکمیتی اقتصادی و سیاسی ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت در محدوده زمانی کوتاه سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ش. است. علاوه بر این بررسی مقایسه‌ای مسئله چالش‌های حاکمیتی ایران در دریای کاسپین در دوره حکومت کمونیستی شوروی با دوره حاکمیت تزاری بر پایه نظریه سیستمی سیاست بین‌الملل کنت والتز و همچنین به‌کارگیری منابع دست‌اول تاریخی علی‌الخصوص اسناد و مدارک آرشیوی از مراکز مهم اسناد تاریخی کشور مانند اداره کل آرشیو اسناد وزارت خارجه، سازمان اسناد

ملی، مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و مرکز اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی از دیگر مزیت‌های و تمایزهای پژوهش پیشرو در مقایسه با پژوهش‌های قبلی است.

با اتکا به چنین مزیتی پژوهش پیشرو چالش‌های حاکمیتی ایران بر دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. با شوروی را طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ش. مورد بررسی قرار می‌دهد. برای تحقق این مهم در نخستین گام چالش‌های حاکمیتی ایران بر این دریای در دوران استقرار حاکمیت رژیم تزاری در روسیه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

چالش‌های حاکمیتی ایران در دریای کاسپین در دوران استقرار رژیم تزاری روسیه

همسایگی ایران و روسیه در دریای کاسپین در زمان سلطنت شاه‌طهماسب صفوی پس از این‌که ایوان چهارم (ایوان مخوف) توانست در سال ۱۵۴۷ م. سراسر خاک روسیه را تصرف و با لقب تزار در مسکو تاج‌گذاری کند (ترویا، ۱۳۶۴: ۴۱-۴۰) آغاز گردید. این همسایگی اگرچه به واسطه برخورداری روسیه و قزاق‌ها از تجهیزات دریایی به مراتب بیشتر نسبت به ایران، مقدمه‌ای برای تهدید حاکمیت ایران در دریای کاسپین شد (بنگرید به: جملی کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۹؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۵۹-۱۶۰)، اما مناسبات ایران و روسیه در این دریا طی دوران صفویه تقریباً در وضعیت برابر قرار داشت و حکومت تزاری نمی‌توانست علناً به سلطه بر این دریا مبادرت نماید، چراکه نه روس‌ها در آن برهه زمانی، همانند قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی دارای قدرت نظامی و سیاسی قابل‌توجهی بودند و نه حکومت مرکزی ایران طی آن مقطع زمانی، به‌مانند قرون بعدازآن به شدت ضعیف و ناتوان به شمار می‌آمد (بنگرید به: کاتف، ۲۵۳۶: ۳۴-۱۰۱؛ اسکندربیک منشی، ۱۳۳۴: ۲/۵۰۴-۵۰۷؛ دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۸۹؛ شاردن، ۱۳۳۶: ۳/۲۵۰-۲۵۲).

با سقوط حکومت صفوی و بروز بی‌ثباتی شدید سیاسی در ایران طی دهه‌های نخست قرن ۱۸ م، تجاوز روس‌ها به خاک ایران آغاز شد و حاکمیت ایران در دریای کاسپین به تدریج در موضع ضعف قرار گرفت و به چالش کشیده شد. در نتیجه بروز چنین وضعی بود که روس‌ها حتی مدعی الحاق بخش‌های قابل‌توجهی از مناطق شمالی ایران مانند قفقاز،

گیلان و مازندران به خاک خود شده، و مناطق مزبور را به اشغال خود درآوردند (مرعشی، ۱۳۲۸: ۷۴؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۷؛ سایکس، ۱۳۶۳: ۳۳۴/۲). ظهور نادرشاه در ایران اما آغاز دوره‌ای جدید و کوتاه‌مدت برای احیای حاکمیت ایران بر دریای کاسپین بود. نماد بارز احیای حاکمیت ایران در این دریا را می‌توان در تلاش وی برای ایجاد ناوگان دریایی در دریای کاسپین مشاهده کرد.

تصمیم نادر در خصوص ایجاد ناوگان دریایی در دریای کاسپین متأثر از مخالف روس‌ها با درخواست وی جهت قرض دادن ده کشتی به‌منظور تأمین خواروبار نیروهای ایران در جنگ با لزگی‌ها بود. پس از این مخالفت بود که نادرشاه به‌منظور ایجاد ناوگان دریایی در دریای کاسپین جان التون انگلیسی به خدمت خود درآورد که با مجوز حکومت تزاری در روسیه و دریای کاسپین به تجارت مشغول بود (Hanway, 1753: 49-6۵). التون به دستور نادرشاه به‌منظور ساخت کشتی و ایجاد ناوگان دریایی در لنگرود مستقر شد و درصدد برآمد تا با استفاده از چوب درختان جنگلی و پنبه و کنفی که در منطقه تولید می‌شد، به هدف خود نائل شود (Cook, 1770: 418-4۱۹؛ Lockhart, 1938: ۲۸۷-۲۸۹). سیاست‌های نادر در جهت ایجاد ناوگان دریایی اگرچه به ساخت یک کشتی توسط التون، مساحی سواحل جنوب شرق دریای کاسپین توسط وی و همچنین استقرار تأسیسات نظامی و بندری در سواحل دریای کاسپین انجامید (بازن، ۱۳۴۰: ۴۳)، اما قتل او در کنار کارشکنی روس‌ها، موجب شد تا این طرح به ثمر نرسد (کرزن، ۱۳۶۲: ۴۷۱/۲؛ سایکس، ۱۳۶۳: ۳۸۹/۲-۳۹۳). بعد از کشته شدن نادر، روسیه مجدداً سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را در مناطق شمالی ایران و دریای کاسپین دنبال کرد. نتیجه این توسعه‌طلبی سلب حاکمیت ایران در این دریا بود که طی دهه‌های نخست قرن ۱۹م با انعقاد دو عهدنامه گلستان و سپس ترکمانچای صورت پذیرفت.

بر اساس فصل پنجم عهدنامه گلستان مقرر شد تا کشتی‌های دولت روسیه که در دریای کاسپین تردد می‌کنند اجازه حضور در سواحل و بنادر ایران را داشته باشند و دولت ایران هم موظف بود به این کشتی‌ها در صورت دچار شدن به طوفان یا هر آسیبی یاری رسانند. در طرف مقابل بر اساس همین فصل از عهدنامه روسیه اگرچه مشابه چنین امتیازی را به

کشتی‌ها ایرانی در دریای کاسپین اعطا کرد؛ اما ایران از حق داشتن کشتی نظامی در دریای کاسپین محروم گردید و مقرر گردید تنها روسیه در این دریا از حق داشتن کشتی‌ها جنگی برخوردار باشد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ج ۲-۱/ ۲۴۳). توافقات فصل پنجم عهدنامه گلستان میان ایران و روسیه پانزده سال بعد در فصل هشتم قرارداد ترکمانچای به همان ترتیب تکرار شد (قاضیها، ۱۳۷۴: ۲۴۸).

پیامد مهم اتخاذ چنین تصمیمی در عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای همان‌گونه که سر پرسی سایکس به آن اشاره می‌کند سلب حاکمیت ایران در دریای کاسپین در نتیجه تسلط کامل روس‌ها بر این دریا بود (سایکس، ۱۳۶۳: ۱۰). در پی برقراری چنین تسلطی بود که اتباع روسیه در سال ۱۸۷۹ م. امتیاز صید ماهی در ساحل جنوبی دریای کاسپین را به خود اختصاص دادند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۹۲). این امتیاز طی قراردادی در سال ۱۳۰۰ ق/ ۱۸۸۲ م. به لیانازف روس واگذار گردید (قاضیها، ۱۳۸۰، اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین‌شاه تا سقوط قاجاریه: ۲۱۷-۲۱۳). همچنین بر پایه چنین تسلطی بود که روس‌ها در سال ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۸۸ م طی قراردادی دیگر با ایران موفق به کسب امتیاز کشتی‌رانی در مرداب‌ها و رودخانه‌های ایرانی گردیدند که مصب آن‌ها در سواحل جنوبی دریای کاسپین بود (تیموری، ۱۳۲۲: ۳۲۴-۳۲۳).

اما سلب حاکمیت ایران در دریای کاسپین در نتیجه برقراری تسلط روسیه بر این دریای دارای دو جنبه مشهود سیاسی و نظامی و اقتصادی بود. ناتوانی ایران در حفاظت از سواحل خود در دریای کاسپین و درخواست محمدشاه از روسیه جهت اعزام دو کشتی جنگی جهت محافظت از سواحل مازندران در سال ۱۲۵۳ ق (قاضیها، ۱۳۸۰، اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتح‌علی‌شاه و محمدشاه: ۱۳۷)، اشغال جزیره آشوراده توسط روس‌ها در سال ۱۲۴۷ ق (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۹۳) و ورود محمدعلی‌شاه به ایران برای بازپس‌گیری سلطنت از طریق این دریا با کشتی روسی (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۷۲) و با آگاهی این کشور (بنگرید به: شوستر، ۱۳۵۱: ۱۶۱-۱۵۹ و ۱۷۹) از جمله نشانه‌های مشهود تسلط سیاسی روسیه بر دریای کاسپین و برقرار نبودن حاکمیت سیاسی ایران بر این دریا بود.

علاوه سلب حاکمیت سیاسی، پس از تحمیل عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای

حاکمیت اقتصادی ایران نیز به طرز مشهودی در دریای کاسپین سلب گردید. رشد واردات کالاهای روسی از طریق دریای کاسپین به ایران در دوره قاجار علی‌الخصوص پس از واگذاری امتیاز گمرکات شمال کشور که در ازای دریافت ده‌میلیون روبل وام از روسیه در سال ۱۹۰۰ م/۱۳۱۹ ق. به این کشور واگذار گردید (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۳۴). یکی از نشانه‌های مشهود تسلط اقتصادی روسیه بر دریای کاسپین بود. روس‌ها در راستای تحقق این مهم به ایجاد خط کشتی در دریای کاسپین با هدف صدور کالا به بندر انزلی (روزنامه ثریا، سال اول، شماره ۴۱، شنبه بیست‌وهشتم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۷، ص ۶) و احداث راه شوسه انزلی به تهران (روزنامه اختر، سال بیستم، شماره ۳۹، سه‌شنبه ۱۴ شوال ۱۳۱۲، ص ۶۲۲) مبادرت کردند. با تسلط بر دریای کاسپین و در سایه چنین اقدام‌هایی بود که واردات کالاهای روسی به ایران از طریق دریای کاسپین به‌عنوان یکی از مبادی واردات کالاهای این کشور به ایران در دوره قاجار افزایش یافت و بنا بر گزارش بسیاری از سیاحان مانند بارون فیودور کورف، (دور کورف، ۱۳۷۲: ۱۱۹-۱۲۰) کنت دوسرسی، (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۰۵) کنت ژولین دوروششوار، (دوروششوار، ۱۳۷۸: ۱۷۷) ارنست اورسل، (اورسل، ۱۳۵۳: ۲۳۴) ادوارد برون، (برون، ۱۳۸۴: ۳۱۱) جرج کرزن، (کرزن، ۱۳۶۲: ۲۸۳/۱) سر پرسی سایکس (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۰) و ژان (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۹) کالاهای روسی در بازارهای شهرهای مختلف کشور در دوران قاجار عرضه و در معرض فروش قرار گرفت.

بر این اساس چالش‌های ایجادشده در مناسبات ایران و روسیه در دریای کاسپین طی دوران حاکمیت تزارها از زمان صفویه در نهایت به سلب حاکمیت ایران بر این دریا در دوره قاجار انجامید. این وضعیت اما در اواخر دوران قاجار و با وقوع انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ م. روسیه و سقوط رژیم تزاری دچار تغییر شد. وقوع این انقلاب آغاز دوران جدید در مناسبات ایران با روسیه و مسئله حاکمیت ایران در دریای کاسپین بود. انقلاب روسیه با شعار نفی سیاست‌های استعماری حکومت تزاری مخصوصاً در مناسبات با کشورهای همسایه همراه بود. در پی این شعارها رویکرد حکومت انقلابی روسیه نسبت به ایران نیز تعیین گردید و در نتیجه همین رویکرد انقلابی بود که عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. ایران شوروی که تداعی‌کننده احیای مجدد حق حاکمیت ایران در دریای کاسپین بود میان دو کشور منعقد گردید که این مسئله در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. ایران و شوروی

پس از به قدرت رسیدن رژیم بلشویکی در جریان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م./مهر ۱۲۹۶ ش. این رژیم از همان ماه‌های آغازین استقرار خود بر پایه شعار نفی سیاست‌های توسعه‌طلبانه و استعماری حکومت تزاری درصدد تغییر در خط‌مشی سیاست‌های خارجی حاکم بر دیپلماسی این کشور برآمد. مهم‌ترین تغییر در خط‌مشی سیاست‌های خارجی در مناسبات با همسایگان صورت می‌گرفت که در نتیجه آن رژیم انقلابی با نفی سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم تزاری، سیاست‌های مسالمت‌آمیز دوستانه را در مناسبات با همسایگان خود اتخاذ می‌کرد. به‌عنوان مثال بلشویک‌ها به مردم چین وعده دادند که اراضی را که توسط رژیم تزاری از چین اشغال شده بود به این کشور باز پس دهند و غرامت شورش باکسرها را که حکومت تزاری به چین تحمیل کرده بود ملغی کنند (مگداف و کمپ، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۴).

در پی ایجاد چنین تغییری در خط‌مشی سیاست‌های خارجی بود که رویکرد حکومت انقلابی روسیه نسبت به ایران نیز مشخص گردید. حکومت بلشویکی در راستای تحقق خط‌مشی سیاست‌های مسالمت‌آمیز دوستانه با ایران در چند نوبت نمایندگان خود را به تهران اعزام کرد تا هدف خود را در خصوص ایجاد روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز با ایران به دولتمردان کشور اعلام دارد؛ اما این تلاش‌های نمایندگان اعزامی حکومت شوروی در هر مرتبه به دلایلی مختلف با موفقیت همراه نگردید (مکی، ۱۳۶۲: ۲۵۲-۲۵۵). علی‌رغم وجود چنین شرایطی پس از گذشت دو سال از پیروزی انقلاب بلشویکی که با تثبیت موقعیت و حاکمیت بلشویک‌ها در خاک روسیه همراه بود؛ ضرورت ایجاد ارتباط با حکومت شوروی در نزد رجال ایرانی احساس شد (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۲).

در اواسط سال ۱۲۹۹ ش، مقارن با کابینه میرزانصرالله‌خان مشیرالدوله، دولت ایران بر مبنای مجموعه وعده‌ها و بیانیه‌هایی که بلشویک‌ها طی سال‌های نخستین انقلاب، در جهت ایجاد روابط حسنه با همسایه جنوبی خود یعنی ایران مطرح کرده بود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۳: ۳۱) تصمیم گرفت تا مشاورالممالک انصاری را برای انجام مذاکره، در رأس هیئتی به‌سوی مسکو روانه نماید (مستوفی، ۱۳۴۳: ۱۳۳/۳). هیئت اعزامی ایران که یکی از اهداف اصلی خود را الغای معاهدات و امتیازات تحمیلی روسیه تزاری قرار داده بود، همانند دیگر

نخبگان سیاسی ایران امیدوار بود که با عقد قرارداد جدید، به یک دوره طولانی از اجحاف‌های روس‌ها پایان دهد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۹۵/۴). این هیئت در نهایت، پس از چند ماه رایزنی و مذاکرات فشرده، توانستند عهدنامه مودت میان ایران و شوروی را در مسکو در تاریخ هشتم اسفند ۱۲۹۹ ش (فوریه ۱۹۲۱ م.) به امضاء برسانند (مکی، ۱۳۶۲: ۲۵۹-۲۶۱).

عهدنامه مذکور در بیست‌وشش ماده موارد متعددی از مسائل و مشکلات سیاسی و اقتصادی در مناسبات ایران و روسیه تزاری را مورد توجه خود قرار داد (نک: مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۷-۴). یکی از این مشکلات در مناسبات میان دو کشور که در عهدنامه مودت مورد بررسی قرار گرفت مسئله حق حاکمیت ایران در دریای کاسپین بود. در ماده یازدهم عهدنامه مودت مقرر شده بود که از ساعت امضای این معاهده، دو طرف این حق را دارا هستند تا به‌طور مساوی از مزیت کشتیرانی در دریای کاسپین با پرچم‌های کشور خود بهره‌مند شوند (منشور گرگانی، ۱۳۲۶: ۱۲۷) پذیرش چنین مسئله‌ای از جانب حکومت شوروی به‌منزله پذیرش حق حاکمیت ایران در دریای کاسپین بود؛ اما احیا و تحقق این حق حاکمیت ایران در دریای کاسپین در نتیجه سیاست‌ها و چالش‌های اقتصادی و سیاسی که حکومت انقلابی شوروی در دریای کاسپین ایجاد کرد محقق نگردید. این چالش‌های اقتصادی و سیاسی ایجادشده از سوی حکومت انقلابی شوروی که در واقع تداوم سیاست‌های رژیم تزاری در دریای کاسپین بود در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چالش‌های اقتصادی حاکمیت ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. ایران و شوروی

همان‌گونه که به آن اشاره شد سلب شدن حاکمیت ایران بر دریای کاسپین توسط رژیم تزاری در دوره قاجار علاوه بر جنبه‌های سیاسی جنبه‌های اقتصادی نیز داشت. با توجه به چنین شرایطی انعقاد عهدنامه مودت ایران و شوروی در اسفند ۱۲۹۹ ش. بارقه‌های امید احیای حاکمیت اقتصادی ایران در این دریا و به دنبال آن احیای اقتصاد تجاری شمال کشور را ایجاد کرد. امیدهای ایجادشده در خصوص برقراری حاکمیت اقتصادی ایران در دریای کاسپین کوتاه زمانی پس از انعقاد این قرارداد به ناامیدی مبدل گشت؛ زیرا سیاست‌های

اتخاذشده از سوی رژیم کمونیستی حاکم بر شوروی که تداوم سیاست‌های حکومت رژیم تزاری در مناسبات با ایران بود و همچنین برخوردار نبودن ایران از نیروی دریایی در دریای کاسپین منجر به برقرار نشدن حاکمیت ایران در این دریا پس از انعقاد عهدنامه مودت گردید. در چنین شرایطی بود که حاکمیت اقتصادی ایران در دریای کاسپین با چالش‌های بزرگ اقتصادی مواجه گردید.

یکی از این چالش‌های بزرگ اقتصادی حاکمیت ایران در دریای کاسپین رواج قاچاق کالا میان ایران و شوروی پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م. بود که پس از انعقاد عهدنامه با حمایت و مداخله حکومت شوروی بسیار آسان و در ابعاد وسیع صورت می‌گرفت. به‌عنوان مثال و بر اساس نامه رسمی وزارت مالیه به وزارت امور خارجه در اواسط سال ۱۳۰۱ش. نزدیک به سیصد صندوق کالا با ارزش مالی حدود دوازده‌هزار تومان از طریق یک کشتی از مبادی رسمی بندرگز در شرق مازندران به‌صورت قاچاق وارد ایران شد. وزارت مالیه در گزارش خود به وزارت امور خارجه ورود چنین حجمی از قاچاق کالا را اسفناک و ناشی از افزایش گستاخی قاچاقچیان عنوان کرد که با همکاری پنهانی مقامات روسی مبادرت به این کار می‌کردند (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۱۳، ص ۱).

علاوه بر گزارش فوق گزارش‌های دیگری در خصوص نقش پنهان و آشکار حکومت شوروی و اتباع آن در زمینه قاچاق کالا در دریای کاسپین وجود دارد. بر اساس گزارش مهر ۱۳۰۱ش. اداره گمرک به وزارت مالیه کنسول شوروی در انزلی به‌صورت مخفیانه در شب شش صندوق نقره را بدون رعایت تشریفات گمرکی از طریق کشتی وارد خاک ایران کرد (سازمان اسناد ملی: شناسه سند ۲۴۰/۶۹۷۶) و هنگامی که با درخواست مأموران اداره گمرک انزلی در راستای تفتیش کشتی روسی و بررسی جعبه‌های موردنظر مواجه شد بنای بدرفتاری را با مأمور ایرانی گذاشت (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۲، پ ۱۶، ص ۴). علاوه بر این گزارش‌های مشابهی در خصوص قاچاق کالا به آستارا از طریق دریای کاسپین توسط کنسول شوروی در انزلی نیز ارائه شده است (سازمان اسناد ملی: شناسه سند: ۲۴۰/۶۸۹۷). همچنین اداره گمرک ایران در تیر ۱۳۰۴ش. به وزارت مالیه گزارش داد که کشتی‌های بخار شوروی در بندر انزلی، تن به تفتیش گمرک نداده و خودسرانه در اسکله

گمرک پهلوی می‌گیرند و به مأموران اداره گمرک ایران اجازه بازرسی شناورهای خود را نمی‌دهند (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۴، پ ۷، ص ۱۶۱).

علاوه بر گیلان در بنادر سواحل شرقی مازندران هم گزارش‌هایی در خصوص قاچاق شمش و سکه‌های طلای تقلبی و فاقد عیار از خاک روسیه به ایران توسط عوامل حکومت شوروی وجود دارد (همان: شناسه سند ۱۳۸۰/۲۴۰). عوامل حکومت شوروی به جای این شمش‌ها و سکه‌های قاچاق و فاقد عیار مشخص که در سواحل شمالی ایران رواج می‌دادند؛ (همان: شناسه سند ۶۹۷۶/۲۴۰؛ اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۲، پ ۳، ص ۸۳) مقدار زیادی سکه‌های طلا از بازارهای مازندران و گیلان جمع‌آوری نموده و آن را نیز به صورت قاچاق به خاک شوروی ارسال می‌کردند. حجم قاچاق سکه‌های طلا از ایران توسط مقامات شوروی به اندازه‌ای بود که کنسول ایران در لنکران و آستارای روسیه پیش‌بینی کرد که در صورت تداوم آن طلا در بخش‌های شمالی ایران نایاب شود (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۲، ک ۳۱، پ ۳۷، ص ۱۰).

گزارش‌های اسنادی همچنین بیانگر آن است که در امر قاچاق کالا در دریای کاسپین علاوه بر نقش مقامات حکومت شوروی؛ نقش بومیان ایرانی ساکن سواحل جنوبی دریای کاسپین (نک: سازمان اسناد ملی: شناسه سند ۲۲۵۷۹/۲۴۰). علی‌الخصوص ترکمنان که به دلیل تنگناهای معیشتی ناشی از فقر و بیکاری در این منطقه به قاچاق کالا روی آورده بودند هم پرننگ بود (سازمان اسناد ملی: شناسه سند ۴۵۹۹/۲۹۳). در مهر ۱۳۰۰ ش. از سوی اداره گمرکات به نخست‌وزیر گزارش شده که به دلیل کافی نبودن وسایل جلوگیری از قاچاق کالا، بخش اعظم برنج مازندران به صورت قاچاق توسط ترکمن‌ها و از طرق دریا به روسیه حمل می‌گردد (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۵-۱۲-۵۳۰م) علاوه بر برنج، خاویار نیز از دیگر کالاهای قاچاقی بود که پس از انعقاد عهدنامه مودت ایران شوروی از طریق دریای کاسپین با همراهی ترکمنان و دیگر ساکنان بومی مناطق شمال ایران به شوروی قاچاق می‌شد (سازمان اسناد ملی: شناسه سند ۲۰۳۵۰/۲۴۰).

نقش پرننگ ترکمنان در قاچاق کالا به شوروی ناشی از اشکال تراشی‌های کشتی‌های شوروی در حمل و نقل کالاهای تجار ایرانی به این کشور بود. به دلیل همین اشکال تراشی‌ها

تجار ایرانی کالاهای خود را برای حمل به شوروی به قاچاقچیان ترکمن واگذار می‌کردند. به‌عنوان مثال روزنامه ایران در خرداد ۱۳۰۱ ش. گزارش می‌کند که «امتناع کشتی‌های روسی از حمل مال‌التجاره‌های ایرانی سبب شد تا ترکمن‌ها با کرجی‌های خود جای وسایل روسی را گرفته و به شکل قاچاق، کالاهای برخی بازرگانان ایرانی را حمل نمایند» (روزنامه ایران، س ۱۳۰۱، ش ۱۱۵۶، ص ۲). میزان فعالیت و نقش ترکمن‌ها در قاچاق کالا به اندازه‌ای بود که در اردیبهشت ۱۳۰۰ ش.، هنگامی که یک کشتی روسی درصد مبادله نفت با مواد غذایی با تجار محلی در بندرگز برآمد، ترکمن‌های فعال در حمل قاچاق کالاهای بازرگانان ایرانی به‌شدت با این اقدام مخالفت کردند (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۰، ک ۳۵، پ ۱، ص ۷). کارگزاری بندرگز در گزارش خود در خصوص دلیل مخالفت ترکمنان با این اقدام عنوان می‌کند: «خود تراکمه به‌صورت قاچاق و بدون پرداخت حقوق گمرکی، کالا به خارج حمل می‌کردند، از این‌رو، مبادلات تجارتنی در بندرگز را بر ضد منافع خود می‌دانستند.» (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۰، ک ۶۵، پ ۳، ص ۱۱).

در نتیجه بروز چنین مشکلاتی و لزوم جلوگیری از قاچاق کالا، ضرورت برخورداری ایران از ناوگان دریایی کارآمد در دریای کاسپین پس از امضاء عهدنامه مودت را ایجاد کرد. به همین دلیل بود که وزارت مالیه ایران ناچار شد در سال ۱۳۰۱ ش. برخورداری ایران از ناوگان دریایی کارآمد در دریای کاسپین را برای مقابله با قاچاق کالا مورد توجه قرار داد (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۳۰، پ ۵، ص ۳). رئیس اداره گمرکات ایران هم در همین زمان بر لزوم خرید تجهیزات نظامی و دریایی اعم از کشتی و قایق جهت جلوگیری و یا حداقلی کردن قاچاق کالا در دریای کاسپین تأکید کرد (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۲-۱۴-۱۵-۱۶م) در سایه وجود چنین ضرورتی بود که رئیس کمیسیون سرحدی ایران مأمور گردید در مذاکره با روس‌ها نیاز مبرم ایران به یک کشتی نظامی در خلیج استرآباد را با مقامات این کشور مطرح سازد (همان: س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۲، ص ۱۲۵).

اما علاوه بر مسئله قاچاق کالا، اخلال در امر تجارت توسط حکومت شوروی یکی دیگر از چالش‌های اقتصادی حاکمیت ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. بود. بروز چنین اخلالی منجر به نابسامانی در امر بازرگانی و ترانزیت کالا در

مناطق شمالی ایران می‌شد. چراکه عمده فعالیت‌های تجار ایرانی در این مناطق از طریق دریای کاسپین و با وسایل حمل‌ونقل دریایی انجام می‌گرفت و فقدان ناوگانی دریایی ایران در این دریا دست برتر را در حمل‌ونقل دریایی در اختیار روس‌ها و حکومت شوروی قرار می‌داد و آن‌ها نیز با برخورداری از این برتری از هیچ کارشکنی در جهت اختلال در امور تجارتی ایران در دریای کاسپین دریغ نمی‌کردند (نک: روزنامه ستاره ایران، سال هشتم، آذر ۱۳۰۱، شماره ۱۰۵: ۲).

به‌عنوان مثال در آبان سال ۱۳۰۰ ش. سه تُتکا^۱ متعلق به ترکمنان ایرانی درحالی‌که مشغول حمل کالا به بادکوبه بودند توسط یکی از کشتی‌های متعلق به حکومت شوروی بدون هیچ دلیلی به بندر حسینقلی شوروی هدایت و در آنجا متوقف و تخلیه بار شدند (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۰، ک ۴۹، پ ۱۶، ص ۳). علاوه بر ایجاد ممانعت برای حمل‌ونقل شناورهای محدود ایرانی در دریای کاسپین، حمایت تلویحی حکومت شوروی از دزدان دریایی یکی دیگر از روش‌های ایجاد اختلال در تجارت ایران در این دریا بود. رئیس قشون شمال ایران طی گزارشی به وزارت جنگ در پاییز سال ۱۳۰۱ ش. عنوان می‌کند: «روس‌ها از اغتشاشات دریایی تراکمه مسبوق و خودشان باعث آن هستند و به‌علاوه روس‌ها می‌خواهند اغتشاشات دریایی را حتی ادامه دهند که دولت ایران مثل سابق حفاظت سواحل را از آن‌ها درخواست بنماید» (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: ش ۱۳۰۱، پ ۳۶، ص ۹۸).

ایجاد چنین اختلال‌هایی از سوی روس‌ها و حکومت شوروی در امر تجارت دریایی ایران در دریای کاسپین نارضایتی‌ها و شکوایه‌های متعدد بازرگانان گیلانی و مازندرانی در شهرهایی چون انزلی (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۰، ک ۶۳، پ ۲، ص ۲۳)، رشت (همان: س ۱۳۰۱، ک ۳۵، پ ۳۱، ص ۱۶ و ۲۰)، بارفروش (همان: س ۱۳۰۰، ک ۱۵، پ ۵، ص ۲۸) و بندرجز (همان: س ۱۳۰۲، ک ۳۶، پ ۲۳، ص ۲۸) را به همراه داشت. در پی ابراز چنین شکوایه‌هایی بود که وزارت امور خارجه ایران یادداشتی اعتراضی به سفیر مختار شوروی در تهران ارسال و از عملکرد حکومت شوروی به‌واسطه ایجاد اختلال در امر تجارت تجار ایرانی در دریای کاسپین انتقاد کرد (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۳۶، پ ۳۵، ص ۵).

برقرار نشدن حاکمیت اقتصادی ایران در دریای کاسپین علاوه بر ایجاد اختلال در امر تجارت دریایی با خود چالش گرانی ادواری کالاها و مصرفی را نیز پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م. به همراه داشت. بروز این چالش خود ناشی مقوله قاجاق کالا همراه با انحصار تجارت و ترانزیت کالاها توسط تجارتخانه‌های ونشتورک^۱ و تنسترسایوز^۲ شوروی (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۲۷۴۶-۰-۰-۰) به دلیل برخوردار نبودن ایران از کشتی‌های تجاری مدرن در دریای کاسپین بود.

ترقی شدید قیمت برنج در مازندران و گیلان در نتیجه افزایش قاجاق این کالا به روسیه در سال‌های پس از انعقاد عهدنامه مودت یکی از شواهد مثال گرانی ادواری کالاها در نتیجه قاجاق آن به شوروی بود (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۲۵-۱۵۱۸-۱۲) افزایش قیمت برنج در این مناطق که تولیدکننده این محصول بودند به اندازه‌ای بود که به اعتراضات شدید و درگیری مردم رشت (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۳ پ ۲۰، ص ۳۰۳) و انزلی (شفق سرخ: س ۱۳۰۱، ش ۴۳، ص ۲) با مأموران حکومتی منجر شد. در پی این اعتراض‌ها اگرچه حکومت ایران به درخواست وزارت داخله (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۲-۱۵۱۸-۱۳۸م) در سال ۱۳۰۱ش. صادرات برنج به شوروی را ممنوع کرد (روزنامه ایران: س ۱۳۰۱، ش ۱۱۷۸، ص ۲) اما همان‌گونه که عنوان گردید اصلی‌ترین علت این افزایش قیمت و ناراضی‌ها پس از آن قاجاق گسترده این محصول به شوروی و ناتوانی ایران در جلوگیری از آن به دلیل برخوردار نبودن از ناوگان دریایی کارآمد در دریای کاسپین بود (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۵-۵۳۰-۱۲م).

علاوه بر برنج، قیمت نفت به‌عنوان کالایی وارداتی از شوروی مخصوصاً در سال ۱۳۰۳ش. به دلیل برخوردار نبودن ایران از ناوگان دریایی کارآمد در دریای کاسپین با گرانی ادواری مواجه شد. از آنجاکه ایران از ناوگان دریایی مناسب برای انتقال نفت از خاک شوروی برخوردار نبود؛ واردات نفت از شوروی به ایران به‌صورت عمده توسط کشتی‌های روسی صورت می‌گرفت. این مسئله موجب شد تا واردات و عرضه نفت در مناطق شمالی ایران

۱- Vneshtorg

۲- Tsentrosyuz

تحت تأثیر تمایلات روس‌ها در همکاری یا عدم همکاری با تجار ایرانی جهت حمل نفت خریداری شده توسط آن‌ها از شوروی به ایران قرار گیرد (نک: روزنامه اتحاد، سال اول، دی ۱۳۰۱، شماره ۲۸۱: ۲) در نتیجه چنین شرایطی بود که روس‌ها در سال‌های پس از انعقاد عهدنامه مودت به صورت ادواری و به بهانه‌های نامعلوم از حمل نفت متعلق به تجار ایرانی خودداری می‌کردند (روزنامه اتحاد، سال اول، ش ۲۸۱ ص ۲؛ همچنین اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۴، ص ۲۵). نتیجه چنین عملکردی زمینه‌ساز کمبود و افزایش ادواری قیمت نفت در مناطق شمالی ایران و واکنش‌های اعتراضی مردم نسبت به این مسئله بود. به‌عنوان مثال کمبود و گرانی قیمت نفت در سال ۱۳۰۳ ش. موجب شد تا در مازندران مردم معترض در خانه حاکم مازندران تجمع کنند. در پی چنین تجمع اعتراضی بود که حاکم مازندران در نامه‌ای به نمایندگی دولت شوروی در بارفروش از وی درخواست کند با توجه به این که نفت در مازندران جزو مایحتاج عمومی است برای تعدیل قیمت آن اقدامی انجام دهد (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۳، ک ۳۶، پ ۳۵، ص ۱۵).

با توجه به مباحث فوق چنین می‌توان نتیجه گرفت که علی‌رغم امیدواری‌های به‌وجودآمده پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. در خصوص احیای حاکمیت اقتصادی ایران در دریای کاسپین، این امیدواری‌ها به دلیل تداوم سیاست‌های رژیم تزاری در دریای کاسپین توسط حکومت شوروی با ناکامی مواجه گشت. به وجود آمدن چنین شرایطی را می‌توان منطبق با نظریه کنت والتز در خصوص اهمیت و تأثیرگذاری سیستم بین‌المللی و ساختارهای آن بر رفتارهای دولت‌ها و بی‌تأثیر بودن نقش تغییر در سطح واحدها و حکومت‌ها در یک واحد بر تغییر در سیستم بین‌المللی و ساختارهای آن دانست. بر این اساس با تغییر رژیم تزاری و حاکمیت یافتن حکومت انقلابی شوروی هیچ تغییر در سیاست‌های اقتصادی این حکومت در قیاس با حکومت تزار در مناسبات با ایران در دریای کاسپین صورت نگرفت. نتیجه این تداوم سیاست در مناسبات با ایران عدم استقرار حاکمیت اقتصادی ایران بر دریای کاسپین در نتیجه مواجه شدن ایران با چالش‌های متعدد اقتصادی در این دریا بود. چنین وضعیتی بر حاکمیت سیاسی ایران در دریای کاسپین نیز حاکم بود که این مسئله در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چالش‌های سیاسی حاکمیت ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م.

همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد برخوردار نبودن ایران از ناوگان دریایی کارآمد در دریای کاسپین علاوه بر چالش‌های اقتصادی، حاکمیت سیاسی ایران را نیز در این دریای با چالش مواجه کرد. در ایجاد این نوع از چالش‌های سیاسی برای ایران تداوم سیاست‌های رژیم تزاری توسط حکومت شوروی در دریای کاسپین نقش مهمی داشت. شیوع ناامنی و ایجاد حس ترس در میان ساکنان سواحل این دریا یکی از این چالش‌های سیاسی بود که در نتیجه تداوم سیاست‌های رژیم تزاری توسط حکومت شوروی ایجاد شده می‌شد. بخشی از این ایجاد ترس و ناامنی ناشی از اقدامات ترکمنان سواحل جنوب شرقی دریای کاسپین بود که با تحرکات تهاجمی خود به غارت اموال (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، س ۱۳۰۴، پ ۱۴، ص ۵۰۶)، قاچاق انسان، (مقصودلو، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۹۱۶). آدم‌ربایی و دزدیدن زنان و دختران بومیان ساکن غیر ترکمن سواحل جنوبی دریای کاسپین (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۳، پ ۳، ص ۸۰) مبادرت می‌ورزیدند. در نتیجه چنین اقداماتی بود که رئیس تیپ شمال در گزارشی به وزارت جنگ در اردیبهشت ۱۳۰۴ش. عنوان می‌کند: «ترکمن‌ها با قایق‌های خود در دریای خزر جولان می‌دهند و اهالی مازندران وحشت‌زده هستند ... و سواحل مازندران در خطر چپاول قرار دارد» (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۴، پ ۱۵، ص ۷۰). در این میان آنچه به ترکمنان امکان انجام چنین اعمالی را می‌داد تسلط آن‌ها در امور دریانوردی از یک سو و برقرار نبودن حاکمیت سیاسی و نظامی ایران در دریا کاسپین از سوی دیگر بود.

در کنار عامل فوق نقش حمایتی حکومت شوروی از ترکمنان به منظور ایجاد ترس و ناامنی در سواحل جنوبی دریای کاسپین نباید را نادیده گرفت. گزارش‌های اسنادی حاکی از آن است که روس‌ها هنگامی که برخی از ترکمن‌ها توسط مأموران ایرانی دستگیر می‌شدند، با فشار به مقامات ایرانی، خواستار آزادی آنان بودند. به‌عنوان مثال هنگامی که صد نفر از ترکمنان تبعه حکومت شوروی که به‌صورت غیرقانونی به پهانه تجارت نمک به سواحل

جنوبی دریای کاسپین وارد شدند، و در مشهدسر، لنگرود و بندر پهلوی بازداشت و زندانی گردیدند، موضوع آزادی آنان از طرف کمیساریای خارجه دولت شوروی در آسیای مرکزی مطرح و به حکومت ایران اعلام شد (همان: س ۱۳۰۴، پ ۱۵، ص ۳۰۵).

یکی از دلایل مهم حمایت عوامل حکومت شوروی از ترکمنان ایجادکننده نامنی در سواحل جنوبی دریای کاسپین آن بود که درصدد بودند تا مقامات ایرانی را وادار نمایند، همانند دوران دوره قاجار دست شوروی را در استقرار آزادانه کشتی‌های جنگی خود به بهانه ایجاد امنیت در سواحل ایران باز بگذارند. این مسئله توسط مستشارالدوله رئیس کمیسیون سرحدی ایران برای مذاکره با هیئت روسی در آذر ۱۳۰۱ ش. مورد اشاره قرار گرفت. وی در بخشی از اظهاراتش عنوان کرد: «کنسول روس بارها به حکومت استرآباد گفته که تا بندرچز و خلیج استرآباد یک کشتی جنگی به خود نبیند قادر به جلوگیری از اغتشاشات و قاچاق تراکمه نخواهد بود... و از آنجاکه ما نمی‌توانیم کشتی بخریم، این گفته کنسول روس یعنی درخواست ایران برای حضور روسیه در منطقه برای مبارزه با شرارت‌های تراکمه» (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۲، ص ۱۲۵) در ادامه وی گزارش می‌کند اسلحه و پولی که از روسیه وارد مناطق ترکمن‌نشین ایران می‌شود، نقش مهمی در ایجاد نامنی‌ها در سواحل جنوب شرقی دریای کاسپین دارد که اگر راه چاره‌ای از سوی دولت ایران اندیشیده نشود، این امر طبیعتاً منجر به پذیرش توقف کشتی‌های جنگی روسی توسط دولت ایران در سواحل ایران خواهد شد (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۲، ص ۱۲۵). علاوه بر این کارگزار وزارت امور خارجه در استرآباد در آبان ۱۳۰۳ ش. گزارش می‌کند «حرکات خلاف تراکمه که هر روز هم توسعه به آن می‌دهند و اخیراً رئیس گمرک و رئیس تلگراف‌خانه گمیش تپه را تهدید به قتل نموده به عقیده فدوی نمی‌توان جدأً به این تشبثات روس‌ها اعتراض نمود؟» (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۳، پ ۲۲، ص ۴۱۸).

حکومت شوروی علاوه بر شیوع نامنی و ایجاد حس ترس، با نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، حاکمیت سیاسی ایران در دریای کاسپین را نیز پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. به چالش کشید (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۳۱، ص ۸). از آنجاکه یکی از مولفه‌های قدرت ملی قدرت نظامی است و نیروی دریایی یکی از ارکان قدرت نظامی به

شمار می‌آید، در غیاب یک نیروی دریایی کارآمد از طرف ایران در دریای کاسپین نه تنها حاکمیت سیاسی ایران در آب‌های سرزمینی بلکه این حاکمیت در بنادر و شهرهای ساحل ایران نیز با تهدید روس‌ها مواجه گردید.

در چنین شرایطی کشتی‌های جنگی شوروی طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ ش. آزادانه به سواحل ایران وارد و حتی در بنادر پهلوی می‌گرفتند و تا هر زمان که تمایل داشتند در آنجا باقی می‌ماندند. به‌عنوان مثال کنسولگری انگلیس در مرداد ۱۳۰۰ ش. گزارش می‌کند: «یک کشتی کوچک روسی به نام تولا^۱ مجهز به دو توپ در نوزدهم اوت در بندرانزلی پهلوی گرفت. کشتی روسی اورال^۲ و یک رزم‌ناو پس از بازدید از سواحل ایران در هیجدهم اوت انزلی را ترک کردند. روتشتین همچنان به رضاخان فشار می‌آورد تا وی را از شروع عملیات بر ضد میرزا کوچک خان باز دارد» (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۲۸).

علاوه بر این در گزارش کارگزاری وزارت امور خارجه در بندرانزلی در آذر سال ۱۳۰۰ ش. عنوان شد: «تا این اواخر یک کشتی مجهز به توپ شوروی در بندرانزلی پهلوی گرفته بود، ولی در شامگاه بیست و هشتم نوامبر دوازده کشتی روسی و از جمله کشتی توپ‌دار فوق بندر را به قصد باکو ترک گفتند.» (میرزاصالح، همان: ۸۶). همچنین کارگزاری انزلی در دی ۱۳۰۰ ش. گزارشی به وزارت خارجه در خصوص ورود یک کشتی جنگی روسی با سه توپ بزرگ و دو توپ کوچک به بندرانزلی و قرار گرفتن آن در کنار کشتی جنگی دیگر روسی که پیش‌ازین در آنجا لنگر انداخته بود ارائه کرد (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۰، ک ۴۶، پ ۱۹، ص ۱).

علاوه بر سواحل دریای کاسپین در گیلان، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران در سواحل این دریا در مازندران هم توسط حکومت شوروی پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. نقض شد. به‌عنوان مثال در خرداد ۱۳۰۰ ش. یک فروند کشتی جنگی تجسّسی روس به بندرگز وارد گردید (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۰، ک ۴۹، پ ۳۰، ص ۲۲) مشابه همین گزارش در گزارش کارگزاری وزارت امور خارجه در بندرگز در خرداد ۱۳۰۳ ش، پس از

^۱-Tula

^۲- Ural

استقرار یک ماه کشتی رُزا لوکزامبورگ^۱ شوروی در خلیج بندرگز به بهانه سرکشی فانوس دریایی ارائه شده است (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۳، پ ۲۲، ص ۴۱۸).

چنین اقدام‌هایی از سوی حکومت شوروی در جهت نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران با اعتراض‌های مکرر حکومت ایران مواجه می‌شد. به‌عنوان مثال وزارت امور خارجه ایران در دی ۱۳۰۰ ش. به ورود یک کشتی جنگی روسی به بندر انزلی به سفارت شوروی در تهران اعتراض کرد (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۰، ک ۴۶، پ ۱۹، ص ۱). همچنین وزارت خارجه ایران در دی ۱۳۰۳ ش. در یادداشتی اعتراضی به سفارت شوروی در تهران با اشاره به استقرار سه فروند کشتی جنگی شوروی حامل قشون، توپ جنگی و تلگراف بی‌سیم در آب‌های ساحلی ایران نزدیک بندرانزلی، متذکر شد که این کار برخلاف قوانین بین‌المللی و حق حاکمیت ایران است و علی‌رغم این که طی این مدت حداقل چهار بار به‌طور رسمی به مقامات شوروی در این زمینه اطلاع داده شد، اما همچنان مقامات روس علی‌رغم این که بعد از انقلاب ۱۹۱۷ م. دست دوستی به سوی ایران دراز کرده بودند، برخلاف این رویه عمل نموده و رویه امپریالیستی حکومت گذشته را دنبال می‌کنند (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۳، ک ۴۰، پ ۴، ص ۲).

به چالش کشیده شدن حاکمیت سیاسی ایران در دریای کاسپین از طریق نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران به‌واسطه تجاوز کشتی‌های شوروی در برخی مواقع با پیاده شدن و تهاجم نیروی‌های نظامی این کشور در سواحل ایران همراه بود. به‌عنوان مثال تلگراف‌خانه بندرانزلی در شهریور ۱۳۰۰ ش. به تهران گزارش کرد که بلشویک‌ها با پیاده شدن از کشتی: «به دفترخانه و انبار گمرک انزلی حمله کردند و پس از ورود به دفترخانه گمرک، درها، پنجره‌ها صندلی و لوازمات ساختمانی را شکسته و اوراق و اسناد گمرک را درون کیسه‌ای ریخته و با خود بردند.» (سازمان اسناد ملی ایران: شناسه سند: ۳۲۵۸۹/۲۴۰).

علاوه بر این در شهریور ۱۳۰۲ ش. سربازان روسی بدون توجه به اعتراض حاکم نظامی انزلی و رئیس ساخلوی این بندر به بهانه حفاظت از اداره شیلات از کشتی جنگی لنین در بندرانزلی پیاده و روانه آنجا شدند. کنسول روس در انزلی در پاسخ به اعتراض حاکم نظامی

انزلی عنوان کرد: «چون ممکن است یک دسته اشخاص مجهول‌الهویه قصد احتراق اداره ماهیگیری برآیند برای حفظ آن اداره چند نفر قراول گذاشته و قراول‌های مزبور تا وصول دستور از سفارت در آنجا خواهند بود» (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۲، پ ۸۵، ص ۵۸). در پی این ماجرا بود که وزارت خارجه ایران طی یادداشتی به سفارت شوروی ضمن اظهار مغایرت ورود بدون اجازه نظامیان روس به خاک ایران با عهدنامه مودت منعقد میان ایران و شوروی، خواستار خروج هرچه زودتر افراد مسلح روسی از اداره ماهیگیری انزلی شد. وزارت امور خارجه در ادامه پیگیری‌های خود در خصوص این تعرض به سفارت ایران در مسکو مأموریت داد تا اعتراض رسمی دولت ایران را به وزارت خارجه شوروی اعلام کند (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۲، پ ۸۵، ص ۵۹).

همچنین در شهریور ۱۳۰۲ ش.، هنگامی که حاکم نظامی انزلی دستور تصرف ساختمان لیانازوف را در این شهر به سربازان تحت امر خود داد؛ ماهیگیران روسی که در این ساختمان یک انبار سلاح و مهمات داشتند، با اطمینان از حمایت شناورهای اژدرافکن شوروی در دریا با نیروهای ایران درگیر شدند که بر اثر آن، یک افسر ایرانی از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح شد (IRAN POLITICAL DIARIES, p. 598).

حضور کشتی‌های شوروی در سواحل دریای کاسپین علاوه بر نقض حاکمیت ملی ایران، از طریق تجاوزهای گاه‌وبیگاه نیروهای شوروی مستقر در این کشتی‌های، تبدیل به یک اهرم فشار بر رجال سیاسی و حاکمیتی ایران شد. به‌عنوان مثال در خرداد ۱۳۰۱ ش. هنگامی که تجار مناطق مرکزی مازندران در بارفروش و مشهدسر در واکنش به اجحافات تجارتخانه‌های شوروی دست به اعتراض زدند حکومت مازندران با یادآوری احتمال خطر تجاوز کشتی‌های جنگی شوروی از تجار این مناطق خواست تا اعتراض و اعتصاب خود را نسبت به کمپانی‌های تجاری شوروی متوقف کنند (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۲۷۴۱-۰-۰). همچنین در آبان ۱۳۰۳ ش. هنگامی که مأمورین نظامی ایران در مصب سفیدرود مانع از ماهیگیری صیادان روسی شدند، با تهدید حکومت شوروی و ورود کشتی جنگی لنین به این منطقه به‌ناچار اجازه صیادی در مصب سفیدرود را به صیادان روسی دادند (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۳، پ ۲۲، صص ۲۵۲ تا ۲۶۰).

حکومت شوروی علاوه بر نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران از طریق دریای کاسپین، با مداخله در امور داخلی و سیاسی ایران از طریق این دریا حاکمیت سیاسی ایران را نیز پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱م. به چالش کشید. یکی از راه‌های مداخله شوروی در امور داخلی ایران در سال‌های پس از انعقاد عهدنامه مودت ترویج ایدئولوژی مارکسیستی در نواحی شمالی ایران با ارسال پول، کتاب و جزوه‌های تبلیغاتی با کشتی از طریق دریای کاسپین بود. به‌عنوان مثال در خرداد ۱۳۰۲ش. یک کشتی‌های روسی با پهلو گرفتن در بندر انزلی سی‌هزار روبل طلا و مقدار قابل‌توجهی کتاب و جزوه‌های تبلیغاتی را که در جعبه‌های صابون و چای جاسازی کرده بودند (IRAN POLITICAL DIARIES, p.512) برای حمایت از تبلیغات کمونیستی در منطقه گیلان به همراه آورد.

تکاپوهای فراوان تبلیغاتی و ایدئولوژیکی روس‌ها و عناصر منتسب به آن‌ها در سواحل جنوبی دریای کاسپین طی مقطع زمانی موردبحث تا حدود زیادی مرهون همین حمایت‌های مادی و معنوی حکومت شوروی از آن‌ها بوده است. وجود چنین رابطه و صحت چنین ادعائی را می‌توان از گزارش خرداد ۱۳۰۱ش. وابسته کنسول انگلستان در استرآباد در خصوص توزیع نفت و پول توسط کنسول روسیه در میان خوانین و روسای یموت، (مقصودلو، همان، ج ۲، ۸۱۹) گزارش تیپ مستقل شمال در خرداد ۱۳۰۲ش. در خصوص نقش حمایت‌های حکومت شوروی در گسترش مجامع و محافل انقلابیون و تبلیغات کمونیستی در دو شهر رشت و انزلی، (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۲، پ ۱۰۸، ص ۶۶) گزارش مرداد ۱۳۰۲ش. کارگزار بندرگز در خصوص فعالیت‌های تبلیغاتی رئیس اداره نفت شوروی در مناطق گمیش‌تپه و خواجه‌نفس در پوشش تجارت، (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۲، ک ۴۹، پ ۱۴، ص ۲۰) گزارش تیر ۱۳۰۲ش. رئیس تیپ شمال به وزارت جنگ در خصوص دفاع آشکار شاهزاده مبشرالسلطان کفیل حکومت گیلان از کمونیسم با حمایت حکومت شوروی در مجامع انتخاباتی (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۲، پ ۸۳، ص ۱۲) و گزارش محرمانه شهریور ۱۳۰۲ش. کنسول روسیه در انزلی به سفیر این کشور در تهران در خصوص انجام فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی خود از طریق تشکیل مجامع سیاسی در کشتی‌های جنگی شوروی مستقر در بندر انزلی (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۲، پرونده ۵، ص ۳۶) مشاهده کرد که همه این موارد شواهد

مثالی از به چالش کشیده شدن حاکمیت ملی ایران توسط حکومت شوروی از طریق دریای کاسپین در سال‌های پس از انعقاد عهدنامه مودت میان دو کشور است.

انجام چنین تحرکاتی از سوی مقامات حکومت شوروی بی‌ارتباط با انتخابات دوره پنجم شورای ملی نبود. مقامات این کشور در تلاش بودند تا با انجام فعالیت‌های سیاسی تبلیغاتی و حتی صرف هزینه و پول نقد به انتخاب نمایندگان متمایل به شوروی در گیلان کمک کنند. در راستای تحقق این مهم بود که در بهار سال ۱۳۰۲ ش. مقامات حکومت شوروی مخصوصاً کنسول این کشور در انزلی تکاپوهای فراوانی برای جلب توجه ساکنان مناطق مذکور به مرام کمونیسم به طرق مختلف از جمله تشکیل اتحادیه‌های کارگری چون اتحادیه کرجی‌بانان، حلبی‌سازان، حمالان، صیادان، نجاران و بیکاران انجام دادند (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۲، پ ۸۴، ص ۴). نتیجه این تلاش‌ها بر اساس گزارشی که کنسول انزلی به وزیرمختار شوروی در تهران ارائه می‌دهد موفق بوده و موجب گردید تا نظر بسیاری از اهالی به‌سوی مرام کمونیسم جلب گردد (همان: س ۱۳۰۲، پ ۵، ص ۳۲).

در کنار حمایت‌های مادی و معنوی حکومت شوروی برای ترویج این ایدئولوژی مارکسیستی، حمایت و تحریک نیروهای واگرا در مقابل حکومت مرکزی ایران در سواحل جنوبی دریای کاسپین از دیگر اقدامات حکومت شوروی در جهت به چالش کشیدن حاکمیت سیاسی ایران در این دریا بود. حمایت از جریان جنگل که حکومت مرکزی ایران را به چالش کشید و نوعی حرکت مرکزگریزانه محسوب می‌شد، یکی از اقدامات حکومت شوروی در این راستای بود. حکومت شوروی از طریق کشتی‌های خود در دریای کاسپین، نقش پررنگی در حمایت از جریان جنگل ایفا کرد. به‌عنوان مثال در دی ۱۲۹۹ ش. گزارشی از استاروسلسکی^۱ فرمانده بریگاد قزاق به نخست‌وزیر وقت ایران در خصوص اعزام هرروزه نیرو و اسلحه از طریق کشتی‌های شوروی به گیلان و همچنین استقرار یک کشتی جنگی حکومت شوروی در انزلی برای کمک به جنگلی‌ها ارائه شده است. در این گزارش آنچه بیش از همه جلب‌توجه می‌کند ناتوانی حکومت ایران در ممانعت از این اقدام‌های حکومت شوروی در حمایت‌های نظامی از جریان جنگل به‌عنوان یک نیروی معارض با حکومت مرکزی است

^۱staroselsky

(اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۳۳۴۵۷-۰-۰-ن).

حمایت‌های حکومت شوروی از جریان جنگل و به چالش کشیدن حاکمیت سیاسی ایران از طریق دریای کاسپین در سال ۱۳۰۰ ش. نیز ادامه داشت. گزارش‌های اسنادی موجود از این سال نیز حاکی از تردد کشتی‌های نظامی و تجاری شوروی به سواحل انزلی با هدف حمل سلاح و نفرات جنگی به گیلان به منظور کمک به جریان جنگل بود. به‌عنوان مثال وزارت جنگ در فروردین ۱۳۰۰ ش طی گزارش محرمانه به نخست‌وزیر از اعزام دو هزار نفر آذربایجانی تحت ریاست احسان‌الله‌خان دوستدار با دو فروند کشتی جنگی شوروی سخن به میان می‌آورد (اسناد مؤسسه تاریخ معاصر: ۱۲۸۰۳-۰-۰-ن).

در کنار حمایت‌های نظامی از جریان جنگل حکومت شوروی با حمایت از ترکمنان مستقر در سواحل جنوب شرقی دریای کاسپین نیز حاکمیت سیاسی ایران را از طریق دریای کاسپین به چالش کشیدند. به‌عنوان مثال کنسولگری انگلستان در شهریور ۱۳۰۰ ش. از ارسال ۱۳۴ قبضه تفنگ و ۸۰۰۰ گلوله به‌وسیله کشتی تامارا از طرف حزب انقلابی باکو به مازندران به منظور تقسیم آن در میان تراکمه گمیش تپه سخن به میان می‌آورد (میرزا صالح، همان: ص ۴۹).

همچنین رئیس تیپ شمال (ایرم) در گزارشی به وزارت جنگ در آبان ۱۳۰۱ ش. عنوان می‌کند که پول‌هایی که حکومت شوروی از طریق پُست کنسولی و با کشتی وارد ایران می‌کند بین تراکمه توزیع شده و روس‌ها با این اقدام و همچنین وعده‌های دیگری که می‌دهند، تراکمه را تحریک به اغتشاش می‌کنند (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۲۶، ص ۵). در پی این گزارش بود که وزارت خارجه ایران بنا بر درخواست وزارت جنگ، مداخلات شوروی‌ها در منطقه و جریان‌ات سیاسی سواحل جنوب شرقی دریای کاسپین را به سفارت ایران در مسکو اطلاع داد و از سفیر ایران خواست تا با وزارت خارجه شوروی در باب جلوگیری از عملیات و تحریکات روس‌ها و مداخلات کنسولگری آن‌ها در استرآباد در امور داخلی ایران مذاکره نماید (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۱، ک ۴۹، پ ۲۶، ص ۶).

حمایت حکومت شوروی از اغتشاش‌های ترکمنان به‌عنوان نیروهای واگرا در سواحل جنوب شرقی دریای کاسپین که حاکمیت سیاسی ایران را به چالش می‌کشید تا سال

۱۳۰۴ش. که به استقرار حکومت پهلوی اول به‌عنوان حکومت مرکزی مقتدر می‌انجامد ادامه پیدا کرد. به‌عنوان مثال در خرداد ۱۳۰۲ش. رئیس فوج استرآباد در گزارشی به وزارت جنگ عنوان می‌کند که کنسول روس در این منطقه به بهانه خرید پشم به ترکمن صحرا رفته، قراردادی با تراکمه منعقد نمود که بر طبق آن ده هزار قبضه تفنگ و مقدار زیادی فشنگ در شش قسط به آن‌ها بفروشد (همان: س ۱۳۰۲، ک ۴۹، پ ۷، ص ۱۵۵). همچنین کارگزار بندرگز در مرداد ۱۳۰۲ش. گزارشی از فعالیت‌های تبلیغاتی عوامل حکومت شوروی در حاشیه جنوب شرقی دریای کاسپین ارائه و در آن عنوان می‌کند که کنسول روس در مناطق گمیش‌تپه^۱ و خواجه‌نفس^۲ فعالیت زیادی دارد و در حال تحریک ترکمن‌هاست. هر اغتشاشی در ترکمن صحرا به نفع روسیه است چراکه با حامی نشان دادن خود، ترکمن‌ها را به‌سوی خود جلب می‌کند (اسناد وزارت خارجه: س ۱۳۰۲، ک ۴۹، پ ۱۴، ص ۲۰).

در سایه چنین اقداماتی از سوی مقامات حکومت شوروی در منطقه بود که اداره گمرک شمال ایران مرداد ۱۳۰۳ش. با درخواست نمایندگی کشتی‌رانی شوروی در بندرگز مبنی بر لنگر انداختن و بارگیری مستقیم کشتی‌های شوروی در بندر گمیش‌تپه با این استدلال که: «این موضوع نیز دسیسه سیاسی و مؤید پیشرفت آن‌ها بوده و ممکن است بلامانع مقاصد خود را در طوایف تراکمه انجام دهند» (اسناد مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: س ۱۳۰۳، پ ۲۲، ص ۳۰۲) رد کرد.

بدین ترتیب و بر پایه گزارش‌های اسنادی فوق چنین می‌توان عنوان کرد که سیاست حکومت شوروی در خصوص حاکمیت سیاسی ایران در دریای کاسپین علی‌رغم مواعید موجود در عهدنامه مودت ۱۹۲۱م. معطوف به تهدید و نقض حاکمیت سیاسی، ملی و ارضی ایران در انطباق و تداوم سیاست‌های رژیم تزاری علی‌رغم شعارهای انقلابی و ایدئولوژیکی سران حکومت شوروی و ایجاد روابط دوستانه با ایران و مغایر با اصول دوستانه مورد انتظار مودت بود. چنین سیاستی که درنهایت همراه با به‌چالش کشیدن حاکمیت سیاسی ایران در دریای کاسپین همانند دوره قاجار بود در حوزه سیاست نیز در انطباق با نظریه کنت والتز در

۱- Gomish Tepe

۲- Khvajeh Nafas

خصوص اهمیت و تأثیرگذاری سیستم بین‌المللی و ساختارهای آن بر رفتارهای دولت‌ها و بی‌تأثیر بودن نقش تغییر در سطح واحدها و حکومت‌ها در یک واحد بر تغییر در سیستم بین‌المللی و ساختارهای آن است. بر این اساس با تغییر رژیم تزاری و حاکمیت یافتن حکومت انقلابی شوروی و علی‌رغم انعقاد عهدنامه مودت در حوزه سیاست هیچ تغییر در سیاست‌های این حکومت در قیاس با حکومت تزار در مناسبات با ایران در دریای کاسپین صورت نگرفت.

نتیجه‌گیری

با استقرار رژیم تزاری علی‌الخصوص پس از سقوط حکومت صفویه در ایران، حاکمیت ایران در دریای کاسپین توسط حکومت تزاری با چالشی جدی مواجه شد. این تهدید علی‌الخصوص در ابتدای قرن نوزدهم و با استقرار حکومت قاجار در ایران به‌تدریج به سلب حاکمیت ایران در این دریا انجامید. حکومت تزاری روسیه در راستای سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در چارچوب رقابت‌های استعماری قرن نوزدهم، سیاست توسعه‌طلبی ارضی را در آسیا و ایران در پیش گرفت. این توسعه‌طلبی ارضی که با دو دوره جنگ‌های ایران روس همراه بود در نهایت منجر به از دست رفتن بخش‌های زیادی از خاک ایران و همچنین سلب حاکمیت ایران بر دریای کاسپین در نتیجه عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای شد. در نتیجه چنین شرایطی، روسیه تزاری در تمامی دوران قاجار در راستای سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در مناسبات با ایران در دریای کاسپین سیاست‌هایی اتخاذ کرد که هدف و نتیجه آن سلب حاکمیت سیاسی و اقتصادی آن در این دریا بود.

سقوط حکومت تزاری روسیه در نتیجه انقلاب ۱۹۱۷م. این کشور و استقرار رژیم بلشویکی اما سرآغاز دورانی جدید در مناسبات میان ایران و روسیه بود. حکومت کمونیستی شوروی با ایدئولوژی و شعارهای انقلابی خود مبنی بر ایجاد روابطی دوستانه با کشورهای هم‌جوار و نفی سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم تزاری، تداعی‌کننده آغاز دورانی جدید در مناسبات میان دو کشور بود. چنین شعارهایی ایجادکننده امیدهای احیای مجدد حاکمیت ایران دریای کاسپین بود. بر پایه همین امیدواری بود که شرایط انعقاد عهدنامه مودت ایران و شوروی در اسفند ۱۲۹۹ش. فراهم شد که بر اساس آن مقرر گردید از ساعت امضای این

معاهده، دو طرف قرارداد، به‌طور مساوی از مزیت کشتیرانی در دریای کاسپین با پرچم‌های کشور خود بهره‌مند شوند.

علی‌رغم انعقاد چنین عهدنامه‌ای و برخلاف وعده‌های مساعد و دوستانه‌ای که حکومت شوروی در راستای تحقق حاکمیت ایران بر دریای کاسپین داده بود، حاکمیت ایران در دریای کاسپین چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی برقرار نشد و با چالش‌هایی جدی مواجه شد. رواج قاچاق کالا مخصوصاً توسط روس‌ها و عوامل حکومت شوروی، ایجاد محدودیت حمل‌ونقل دریایی کالا از سوی حکومت شوروی، اخلال در امر تجارت دریایی و حمایت از دزدان دریایی در دریای کاسپین توسط حکومت شوروی و همچنین گرانی ادواری برخی کالاهای صادراتی و وارداتی که از طریق این دریا میان دو کشور مبادله می‌شدند چالش‌های عمده تحقق حاکمیت اقتصادی ایران در دریای کاسپین بودند. همچنین شیوع ناامنی و ایجاد حس ترس، نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی از طریق ارسال ناوگان‌های نظامی و پیاده کردن نیرو در سواحل ایران، دخالت در امور داخلی و سیاسی ایران از طریق ترویج ایدئولوژی مارکسیستی و حمایت مادی و معنوی از این جریان‌ها و درنهایت حمایت و تحریک نیروهای واگرا در مقابل حکومت مرکزی ایران از طریق دریای کاسپین هم نشانه‌های چالش‌های عدم تحقق حاکمیت سیاسی ایران در این دریا پس از انعقاد عهدنامه مودت در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ش. بود.

محقق نشدن حاکمیت ایران در دریای کاسپین پس از انعقاد عهدنامه مودت ۱۹۲۱ م. در نتیجه چالش‌های اقتصادی و سیاسی که حکومت شوروی در این دریا برای ایران ایجاد کرده بود، در واقع نه تنها تداوم سیاست‌های رژیم تزاری در قبال ایران بلکه تداوم نقش رژیم تزاری در ساختار سیستم بین‌المللی بود که سرزمین روسیه به‌عنوان یک واحد از این ساختار سیستم بین‌المللی ناچار به ایفای آن بود. بر این اساس رژیم‌های مستقر در روسیه در ساختار سیستم بین‌المللی که کنت والتز به تبیین آن پرداخت ناچار به انجام بازیگری در نقشی بودند که فضای حاکم ساختار سیستم بین‌المللی در قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم برای این کشور تعیین کرده بود. نقش سرزمینی روسیه در ساختار سیستم بین‌المللی تحت تأثیر رقابت‌های استعماری در این دوران توسعه‌طلبی ارضی همراه با نقض حاکمیت ملی و ارضی



سرزمین‌های هم‌جوار بود که این مسئله منجر به نقض و به چالش کشیده شدن حاکمیت ایران در دریای کاسپین در دوران تزاری و دوران حاکمیت رژیم کمونیستی شوروی علی‌الخصوص در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ش. شد.

منابع

کتاب‌ها

- استرآبادی، محمدمهدی (۱۳۷۷)، *جهانگشای نادری*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اسکندربیک منشی (۱۳۳۴)، *عالم‌آرای عباسی*، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- اوین، ژان (۱۳۶۲)، *سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران ۱۹۰۶-۱۹۰۷*، ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: کتاب‌فروشی زوار.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات زوار.
- بازن (۱۳۴۰)، *نامه‌های طیب نادرشاه*، ترجمه علی اصغر حریری، تهران: انجمن آثار ملی.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۴)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نشر اختران.
- تروبا، هنری (۱۳۶۴)، *ایوان مخوف*، ترجمه مهین میلانی، تهران: شرکت انتشاراتی رسا.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۳)، *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، ابراهیم تیموری، تهران، شرکت نسبی اقبال و شرکا.
- جملی کارری، حیوانی فرانچسکو (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی، تبریز: فرانکلین.
- حسنی، سید رحمان (۱۳۹۶)، *تجارت از راه دریای خزر در عصر قاجار*، بابل: انتشارات مروارید بحر علم.
- حسنی، سید رحمان (۱۳۹۲)، «پژوهشی در «جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه» با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۸۲۸-۱۹۵۳م)»، *مجله تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۱۰۷.
- دروششوار، کنت ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی.
- دلاواله، پیتر (۱۳۴۸)، *سفرنامه پیتر دلاواله*، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- دورکورف، بارون فیو (۱۳۷۲)، *سفرنامه بارون فیودورکوف ۱۸۳۵-۱۸۳۴*، ترجمه اسکندر ذبیحیان. تهران: انتشارات فکر روز.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، *حیات یحیی*، جلد چهارم، تهران: فردوسی.
- سایکس، سر پرس (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژنرال سر پرس سایکس*، ترجمه حسین سعادت نوری، بی‌جا: چاپخانه آسمان.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵)، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۶۳)، *روابط ایران و شوروی از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا شهریور ۱۳۳۰*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شوستر، مورگان (۱۳۵۱)، *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، چ ۲، تهران: انتشارات مطبوعاتی صفی‌علیشاه.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۴)، *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه*، تهران: امیرکبیر.
- قاسمی، حاکم و زهرا ناظری (۱۳۹۰)، «تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۲۳.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۷۴)، *اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای*، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۰)، *اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۰)، *اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین‌شاه تا سقوط قاجاریه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (۲۵۳۶)، *سفرنامه کاتف*، ترجمه صادق همایونفرد، تهران: کتابخانه ملی.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان*، چ ۱۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاظم‌بیگی، محمدعلی (۱۳۸۴)، *دریای خزر و قدرت‌های بزرگ: امپریالیسم بریتانیا*، تهران:

وزارت خارجه.

- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴*، ج ۲، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کرزن، جرج (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، جلد دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۱-۲، تهران: انتشارات اساطیر.
- *مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی*، (۱۳۸۴) قوه قضائیه روزنامه رسمی کشور. ج ۱، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مرعشی صفوی، محمدخلیل (۱۳۲۸)، *مجمع‌التواریخ*، بی‌جا: بی‌تا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، *شرح زندگانی من*، جلد سوم، تهران: زوار.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.
- مقصودلو، حسینقلی (۱۳۶۳)، *مخابرات استرآباد*، به کوشش: افشار و دریاگشت، جلد دوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
- مکی، حسین (۱۳۶۲)، *مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار*، تهران: امیرکبیر.
- مگداف، هاری و تام کمپ (۱۳۸۲)، *امپریالیسم، تاریخ، تئوری، جهان سوم*، ترجمه هوشنگ مقتدری، چ ۵، تهران: انتشارات کویر.
- منشور گرگانی، محمدعلی (۱۳۲۶)، *سیاست دولت شوروی در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۶*، تهران: چاپخانه مظاهری.
- میرزاصالح، غلامحسین (۱۳۶۹)، *جنبش میرزا کوچک‌خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلیس*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹)، *عباسنامه*، اراک: کتاب‌فروشی داودی.

اسناد**اداره کل آرشیوو اسناد وزارت خارجه**

- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۳۵، ش پرونده ۱،
- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۶۵، ش پرونده ۳،
- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۱۵، ش پرونده ۵،
- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۶۳، ش پرونده ۲،
- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۴۹، ش پرونده ۱۶،
- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۴۶، ش پرونده ۱۹،
- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۴۹، ش پرونده ۳۰،
- سال ۱۳۰۰، ش کارت‌ن ۴۶، ش پرونده ۱۹،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۲، ش پرونده ۱۶،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۳۰، ش پرونده ۵،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۳۵، ش پرونده ۳۱،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۳۶، ش پرونده ۳۵،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۴۹، ش پرونده ۲،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۴۹، ش پرونده ۴،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۴۹، ش پرونده ۱۳،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۴۹، ش پرونده ۲۶،
- سال ۱۳۰۱، ش کارت‌ن ۴۹، ش پرونده ۳۱،

- سال ۱۳۰۲، ش کارتن ۳۱، ش پرونده ۳۷،
- سال ۱۳۰۲، ش کارتن ۳۶، ش پرونده ۲۳،
- سال ۱۳۰۲، ش کارتن ۴۰، ش پرونده ۲،
- سال ۱۳۰۲، ش کارتن ۴۹، ش پرونده ۱۴،
- سال ۱۳۰۲، ش کارتن ۴۹، ش پرونده ۷،
- سال ۱۳۰۲، ش کارتن ۵۶، ش پرونده ۴،
- سال ۱۳۰۳، ش کارتن ۳۶، ش پرونده ۳۵،
- سال ۱۳۰۳، ش کارتن ۴۰، ش پرونده ۴،

سازمان اسناد ملی

- شناسه سند: ۲۴۰/۱۳۸،
- شناسه سند: ۲۴۰/۲۲۵۷۹،
- شناسه سند: ۲۴۰/۶۹۷۶،
- شناسه سند: ۲۴۰/۶۸۹۷،
- شناسه سند: ۲۴۰/۶۹۷۶،
- شناسه سند: ۲۴۰/۲۰۳۵۰،
- شناسه سند: ۲۴۰/۳۲۵۸۹،
- شناسه سند: ۲۹۳/۴۵۹۹،

مرکز اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

- سال ۱۳۰۱، ش پرونده ۳۶،
- سال ۱۳۰۲، ش پرونده ۵،

- سال ۱۳۰۲، ش پرونده ۸۳
- سال ۱۳۰۲، ش پرونده ۸۴
- سال ۱۳۰۲، ش پرونده ۸۵
- سال ۱۳۰۲، ش پرونده ۱۰۶
- سال ۱۳۰۲، ش پرونده ۱۰۸
- سال ۱۳۰۲، ش پرونده ۱۱۱
- سال ۱۳۰۳، ش پرونده ۳
- سال ۱۳۰۳، ش پرونده ۲۲
- سال ۱۳۰۳، ش پرونده ۲۰
- سال ۱۳۰۴، ش پرونده ۷
- سال ۱۳۰۴، ش پرونده ۱۴
- سال ۱۳۰۴، شماره پرونده ۱۵

مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر

- شماره راهنما: ۱۲-۶۱۵-۱۴م.
- شماره راهنما: ۱۵-۵۳۰-۱۲م.
- شماره راهنما: ۱۳۸-۱۵۱۸-۱۲م
- شماره راهنما: ۱۵۳-۱۵۱۸-۱۲م.
- شماره راهنما: ۱۲۷۴۱-۰-۰ن.
- شماره راهنما: ۱۲۷۴۶-۰-۰ن.
- شماره راهنما: ۳۳۴۵۷-۰-۰ن.

– شماره راهنما: ۱۲۸۰۳-۰-۰ ن.

نشریات

- *روزنامه اتحاد*، سال اول، دی ۱۳۰۱، شماره ۲۸۱.
- *روزنامه اختر*، سال بیستم، سه‌شنبه ۱۴ شوال ۱۳۱۲، شماره ۳۹.
- *روزنامه ایران*، سال هفتم، خرداد ۱۳۰۱، شماره ۱۱۵۶.
- *روزنامه ایران*، تیر ۱۳۰۱، شماره ۱۱۷۸.
- *روزنامه ستاره ایران*، سال هشتم، آذر ۱۳۰۱، شماره ۱۰۵.
- *روزنامه ثریا*، سال اول، شماره ۴۱، شنبه بیست‌وهشتم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۷.
- *روزنامه شفق سرخ*، سال دوم، تیر ۱۳۰۱، شماره ۴۳.
- *فصلنامه گنجینه اسناد*، نادعلی صادقیان، «مروری بر نظام حقوقی دریای خزر از دریچه اسناد و معاهدات»، دوره ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶، صفحه ۶۲-۴۵.
- *فصلنامه مطالعات سیاسی*، علی‌رضا محمدخانی، «تبیین رویکرد نواقع‌گرایی در روابط بین الملل»، دوره اول، شماره ۳، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۰۰-۸۳.

کتاب‌های لاتین

- Cook, John (1770), *Voyages and Travels: Through the Russian Empire, Tartary, and part of Kingdom of Persia*, vol 2, Paris.
- Hanway, Jonas (1753), *An Historical Account Of The British trade over The Caspiansea*, Vol 1, London: Cornhill.
- *IRAN POLITICAL DIARIES*, General Editor: R.M.Burrel, Volume 6: 1921-1923, Cambridge: Archive Editions Ltd, 1997.
- Lockhart, Laurence (1938), *Nadir Shah: a critical study based manily upon contemporary surces*, London: Luzac and Co.